

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سیده نیلوفر حسینی

گرافیسیت: سیده زهرا حسینی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی در قبال محتوا و نویسنده آن ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم
۴. سید مهدی نقوی، ارشد رشته ادیان ابراهیمی، قم جامعه المصطفی
۵. سید طالب زکی، دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی،
جامعه المصطفی العالمیه، قم.

فهرست مطالب

۷	واکاوی مفهوم واژه «قرآن» با دو رویکرد بیرون متنی و درون متنی
۲۳	ازدواج و تشکیل خانواده در ادیان اسلام و یهودیت
۴۳	بررسی شرایط و مبانی فقهی مسئولیت کیفری ومدنی طیب، در حقوق ایران وافغانستان.
۷۹	نقش مدیریت مشارکتی منابع آبی در توسعه پایدار دهات افغانستان
۱۰۵	کیفیت معاد و بقای نفس انسانی در فلسفه اسلامی با تاکید بر دیدگاه ملا صدرا
۱۳۷	عوامل جرایم مالی اطفال و راهکارهای مقابله با آن
۱۷۳	نقدی بر نظریه وحی نفسی از منظر عقل، قرآن و روانشناسی
۱۹۵	اندیشه ضد اسلامی برنارد لوئیس به عنوان نماینده شرق شناسان غربی
۲۱۷	مبارزه با استکبار و استقامت در مقابل ظلم با تاسی از مکتب عاشورا

سال چهارم، پاییز ۱۴۰۳، شماره ۱۶

ازدواج و تشکیل خانواده در ادیان اسلام و یهودیت

سید مهدی نقوی^۱

چکیده

در جامعه بشری نهاد خانواده دارای اهمیت فراوانی بوده و از ارکان اصلی آن به شمار می‌آید، زیرا نهاد خانواده نقش مهمی در سعادت و شقاوت جامعه دارد. تأثیر خانواده بر جامعه و نقش آن سبب شده است که در دین اسلام و یهودیت مورد توجه قرار بگیرد و دستوراتی در رابطه با ازدواج و تشکیل خانواده برای بشریت ارائه کنند. ما در این مقاله در پی آن هستیم تا با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی ازدواج و تشکیل خانواده با تکیه بر کتاب‌های مقدس دو دین اسلام و یهود و روایات معصومین F در اسلام بپردازیم. ازدواج در اسلام تا آن جایی اهمیت دارد که پیامبر بزرگوار اسلام² فرمودند: ازدواج سنت من است؛ هر که از سنت من سرپیچی کند از من نیست. در یهودیت نیز مجرد ماندن نکوهش شده است و فرد مجرد باید هر چه سریعتر مقدمات ازدواج خود را فراهم کند تا این امر مهم به تعویق نیفتد. در نوشتار پیش رو به بررسی خانواده و جایگاه آن، اهمیت و جایگاه ازدواج و همچنین فواید و آثار ازدواج پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، یهودیت، اسلام، ازدواج، خانواده.

۱. کارشناس ارشد رشته ادیان ابراهیمی، مجتمع حکمت و مطالعات ادیان، جامعه المصطفی (ع)

۱. مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده یک تعهد عاطفی و حقوقی است که وقتی انسان به مرحله بلوغ فکری و جسمی از زندگی خود رسید، علاقه‌مند به انجام آن است. امر ازدواج و تشکیل خانواده در ادیان مختلف وجود دارد و دارای اهمیت و جایگاه مخصوص به خود در هر دین است؛ خانواده به دلیل اینکه از نهادهای بنیادی در جامعه اجتماعی به شمار می‌رود، و در اصل تشکیل دهنده اجتماع است، دارای اهمیت زیادی است؛ زیرا این افراد خانواده هستند که مردم اجتماع را تشکیل می‌دهند. به همین دلیل ادیان اسلام و یهود به این مسئله توجه داشته‌اند و برای سعادت پیروان خود دستوراتی را برای آن‌ها ارائه کرده‌اند. نوشتار پیش رو بر آن است تا به معرفی و بیان جایگاه ازدواج و تشکیل خانواده و همچنین آثار و فواید آن در دو دین اسلام و یهودیت پرداخته و با استفاده از کتب مقدس این ادیان به تدوین آن بپردازد.

۲. مبانی نظری

۱-۲. مفهوم خانواده

۱-۲-۱. در اسلام

قبل از پرداختن به بحث ازدواج، باید در رابطه با خانواده و جایگاه آن در اسلام مطالبی بیان کنیم. تعریف‌های فراوانی از خانواده وجود دارد که هر یک با رویکردی خاص به جنبه‌ای از موضوع خانواده نگریسته و بعدی خاص از آن را برجسته کرده‌اند. تعریف خانواده به اعضاء و کمیت حاضر در خانواده، به مجموعه افراد واجب‌النفقه، موقعیت‌های سازمانی، زندگی مشترک در مکان واحد، کارکردهای آن، روابط اقتصادی، روابط جنسی پایدار، یا تعریف خانواده به مسئولیت‌های اجتماعی، حقوقی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی و دینی، از جمله تعاریفی است که در رابطه با خانواده وجود دارد. بر اساس برخی از تعاریف، زندگی هر یک از والدین به تنهایی پس از طلاق یا فوت همسر، زندگی یکی از والدین با فرزندان، زندگی فرزندان که والدین خود را از دست داده‌اند، یا زندگی والدین بدون فرزند، یا زن و شوهری را که

به خاطر جدایی محل کار و زندگی‌شان از یکدیگر نمی‌توانند در طول هفته، مگر آخر هفته با یکدیگر زندگی کنند، را نمی‌توان خانواده نامید.

برخی دیگر از تعاریف خانواده، هر نوع زندگی مشترک که واقعیت اجتماعی یافته، حتی زوج‌های بدون ازدواج یا زندگی جمعی بدون ازدواج را شامل می‌شود. افزون بر عناصر و ابعاد فوق، ازدواج نیز عامل مهمی در تشکیل و تعریف خانواده است که برخی از تعاریف به آن توجه کرده‌اند. (ابراهیمی‌پور، ۱۴۰۰ش، ص ۴۴)

در رابطه با پیدایش نهاد خانواده باید گفت که بر اساس نظریه فطرت خانواده‌گرایی، انگیزه‌های عاطفی دارای منشأ فطری در گرایش دو جنس مذکر و مؤنث به تشکیل خانواده دخالت داشته‌اند. آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»، آفرینش همسران برای آرامش یافتن آنان در کنار یکدیگر را از نشانه‌های الهی معرفی کرده و ایجاد زمینه‌های مهر و مودت میان ایشان را با واژه «جَعَلَ» به خداوند اسناد داده است که بر خاستگاه فطری کشش متقابل زناشویی دلالت دارد. همچنین مدلول برخی روایات آن است که کشش متقابل جنسی و عاطفی زن و مرد از آغاز آفرینش انسان، یعنی از زمان آدم و حوا وجود داشته است. مانند روایتی از امام صادق که آمده است: «خداوند آدم را از گل آفرید، آنگاه حوا را برایش ابداع کرد... پس آدم عرضه داشت: پروردگارا، چیست این آفریده زیبا که همنشینی و دیدن او مرا انس بخشیده است؟ خداوند فرمود: ای آدم، این کنیزم حواست. آیا دوست داری با تو باشد تا تو را مأنوس گرداند و با تو سخن گوید؟ عرض کرد: آری پروردگار من. پس خداوند فرمود: اکنون او را از من خاستگاری کن، چون او کنیز من است و به عنوان همسری که شهوت را فرو نشاند نیز سودمند است؛ و خداوند پیش از آن شهوت را در وجود او افکنده بود». (بستان، ۱۳۹۰ش، ص ۱۱)

اسلام با تشویق به تشکیل خانواده که بهترین وسیله برای حفظ عفت عمومی است، به ندای فطرت پاسخ مثبتی می‌دهد و زناشویی را تنها راه پیدایش فرزندان درستکار و حفظ بقای انسان شناخته است. همچنین می‌خواهد به تأمین آرامش روحی، اخلاقی و فکری، که از پایه‌های رسیدن انسان به کمال و سعادت است،

کمک کند. (حسن‌زاده، ۱۳۹۴ش، ص ۲۲)

۲-۱-۲. در یهودیت

در زبان عبری به خانواده «میشپاخا» گفته می‌شود. معنی این واژه در جوامع مختلف یکسان نیست. در جامعه باستانی و قبیله‌ای عبرانی، خانواده در واقع به معنای عشیره بوده است. روابط در عشیره بر قرابت خونی، رابطه قراردادی (ازدواج) و همسایگی استوار بوده است؛ موالی نیز کسانی بودند که برای تضمین امنیت خویش به یک قبیله پناه می‌بردند. البته بعد از نفوذ عبری‌ها در کنعان و استقرارشان در آنجا، خانواده به معنای عشیره از میان رفت و خانواده گسترده جای آن را گرفت که در عبری به آن بیت گفته می‌شد. پدر، بزرگ خانواده بود و زن خانه از او پیروی می‌کرد. با این حال، ثروت زن از آن خود او بود و حق تصرف در آن را داشت، ولی حق طلاق نداشت. ارث به او نمی‌رسید و ارث شامل حال او نمی‌شد، و حتی گاهی بخشی از میراث بود. خانواده عبری، هسته واقعی زندگی اجتماعی عبری‌ها را تشکیل می‌داد. این وضعیت در اکثر جوامع قبیله‌ای دیده می‌شد.

در قرون وسطی قوانین شریعت یهود از جمله قوانین مربوط به ازدواج، ازدواج با بیگانه، طلاق، ازدواج بیوه زن، سکس، طهارت و آداب و رسوم مختلف دینی مربوط به خانواده مشخص شده بود. قوانین یاد شده باعث شد تا نهاد خانواده در گروه‌های یهودی از چارچوب بسیار محکم و پایداری برخوردار شود. البته قوانین شریعت در همه گروه‌های یهودی اجرا نمی‌شد؛ این گروه‌ها از نظر عمل به قوانین یاد شده بسیار متفاوت بودند؛ زیرا نهاد خانواده یهودی تحت تأثیر ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه میزبان قرار داشت.

این پدیده در دوران معاصر در غرب نمود بیشتری پیدا کرد و خانواده یهودی نیز دقیقاً مانند نهاد خانواده در غرب، دچار خوردگی و ضعف شد. خانواده یهودی به عنوان بخشی از ساختار اجتماعی غرب به سرعت به سوی مدرنیسم و سکولاریسم (گرایش به سود و لذت) پیش رفت و در نتیجه، سلطه حکومت مرکزی گسترش یافت و نظام حاکم بسیاری از وظایف مربوط به خانواده مانند تربیت کودکان را بر عهده

گرفت. گرایش‌های فردی در چنین جامعه‌ای افزایش یافت، به گونه‌ای که ارتباط فرد با خانواده‌اش کمتر شد و تقریباً در سن شانزده سالگی آن را ترک نمود. (المسیری، ۱۳۸۳ش، ج ۵، ص ۲۶۴)

خانه در یهودیت کانون فعالیت‌های دینی به شمار می‌رود، به همین دلیل خانواده نه تنها به عنوان بخش اساسی حیات اجتماعی، بلکه به عنوان محیط مقدماتی بروز و ظهور مناسک دینی مطرح است. تمام جشن‌ها مملو از آیین‌های خانه‌محور است، و شب‌ات بر محور وعده‌های غذایی خانوادگی شکل می‌گیرد. در خانواده‌های سنتی، فرد مسلط، چه در امور دینی و چه در نقش رئیس خانه، مرد است. میدراش، زن آرمانی را این‌گونه تعریف کرده است: کسی که خواست شوهرش را انجام می‌دهد. (انترمن، ۱۳۸۵ش، ص ۳۰۶).

۲-۲. مفهوم ازدواج

۲-۲-۱. در اسلام

ازدواج در لغت به معنای «جفت شدن» و «جفت کردن» و در اصطلاح علوم به معنای «تنظیم دو به دوی اشیاء» است. (دهخدا، ۱۳۳۷ش، واژه ازدواج). واژه دیگری که بر ازدواج دلالت می‌کند، واژه نکاح است که در لغت به معنای تقابل است؛ نکاح رابطه‌ای است حقوقی - عاطفی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آنها حق می‌دهد تا با یکدیگر زندگی و رابطه داشته باشند، که مظهر بارز آن حق تمتع جنسی است. در تعریف اصطلاحی ازدواج آمده است: «قراری است مثبتی بر قانون، شرع، عرف، گفتار یا آیین خاص بین یک زن با یک مرد، برای ایجاد رابطه جنسی و معمولاً اساس خانواده را فرزندزایی تشکیل می‌دهد». (شایان مهر، ۱۳۷۷ش، صفحه ۵۹). در تعریف دیگری آمده است: «ازدواج سبب دوام و پایداری نسل است و بقای بشر به آن وصل است؛ این قانون نظام آفرینش است و بر کل هستی حاکم است». (علیگودرزی و ملک محمودی، بیتا، ص ۲۲).

قرآن کریم نکاح را امر مهمی قلمداد می‌کند و مردم را به نکاح دعوت می‌کند؛ مهم‌تر اینکه به بزرگ‌ترها و به مسئولین دستور به ایجاد امکانات ازدواج برای

بی همسران می دهد تا جوانان بتوانند راحت تر به تشکیل خانواده اقدام کنند. برای اینکه اهمیت موضوع روشن شود ابتدا باید نگاه قرآن به مسأله ازدواج را بیان کنیم. از آیات متعدد قرآن کریم استفاده می شود که زوج بودن یک اصل کلی در تمام اشیاء اعم از جماد، نبات، حیوان و انسان است. یعنی اصل زوجیت یک قانون عمومی در تمام موجودات است که یکی از آن ها انسان است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (ذاریات/۴۹)؛ و ما از هر چیزی دو زوج آفریدیم، شاید شما متذکر شوید. و در جای دیگری می فرماید: «جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِنَّ». (شوری/۱۱). برای شما همسرانی از جنس خودتان قرار داد و نیز از چارپایان جفت هایی آفرید و شما را به این وسیله تکثیر می کند. همچنین به اصل زوجیت در انسان و علت آن در قرآن نیز توجه می کند و می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً، إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم/۲۱). ازدواج در اسلام، گرچه امری مستحب است اما اگر انسانی نتواند با مجرد ماندن، خود را از گناه حفظ کند، ازدواج و تشکیل زندگی برای او امری واجب است. ازدواج علاوه بر آرامشی که برای طرفین ایجاد می کند، پایه و بنیان جامعه را محکم تر می کند. (انصاریان، ۱۳۷۹ش، ص ۳۴ - ۳۵)

همچنین ازدواج اولین قدمی است که انسان از خودپرستی و خوددوستی به سوی غیردوستی بر می دارد. قبل از ازدواج همه چیز برای «من» بود. اما با ازدواج «من» تبدیل به «او» می شود. تجربه ای قطعی نشان داده است، افرادی که ازدواج نکردند، اغلبشان پشیمان شدند. شاید افراد بزرگی مانند عارف و فیلسوف و... بودند، اما در سن هشتاد سالگی به پختگی، که فقط با ازدواج به دست می آید، نرسیده بودند. (مطهری، ۱۳۷۸ش، ص ۳۹۷).

در قرآن کریم آیات دیگری نیز وجود دارد که در آنها به امر ازدواج اشاره شده است؛ (رجوع کنید به: زمر/۶؛ اعراف/۱۸۹؛ فرقان/۵۴؛ نور/۳۲؛ نساء/۱ و ۲۵) همانگونه که قرآن به اهمیت و جایگاه خانواده و ازدواج پرداخته است، در روایات اسلامی نیز به این مسئله مهم اشاره شده است. روایات اسلامی اهمیت و جایگاه

ویژه‌ای برای ازدواج و تشکیل خانواده و مسئله فرزندآوری قائل شده است. محمد بن مسلم از امام صادق نقل می‌کند: رسول خدا فرموده است:

«همسر اختیار نمائید، زیرا من فردای قیامت به بسیاری شما مباحثات میکنم، تا آنجا که جنین نارسی که سقط شده، با کمال غضب به در بهشت آید، و به او گویند به بهشت درآی؛ گوید: نه؛ تا پدر و مادرم پیش از من وارد شوند». (شیخ صدوق، ۱۳۶۷ش، ج ۵، ص ۱۰). مشاهده می‌کنیم که در روایت فوق به مسئله ازدواج و اهمیت فرزندآوری و ازدیاد نسل مسلمانان اشاره شده است.

همچنین معمر بن خلاد می‌گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «سه چیز از روشهای پیامبران است: عطر، و کوتاه کردن شارب، و بسیار زن گرفتن». (شیخ صدوق، ۱۳۶۷ش، ج ۵، ص ۹). روایت دیگری از امام صادق علیه السلام وارد شده است که فرمودند: «دو رکعت نمازی که شخص متأهل می‌گذارد، از هفتاد رکعت شخص مجرد فضیلتش بیشتر است». (قمی، ۱۳۵۵ق، ج ۱، ص ۵۶۱؛ کاشانی، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۵۴). همچنین آن حضرت در جای دیگری فرمودند: «ما يعدل الزوج عند المرأة شيء». یعنی هیچ چیز برای زن مانند همسر نیست. (الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۷۴).

امام جعفر صادق علیه السلام بیان می‌کنند که فرد مسلمان به دلیل ترس از فقر نباید امر مقدس ازدواج و تشکیل خانواده را به تاخیر بیندازد؛ زیرا رزق و روزی هرکس دست خداوند است و اوست که روزی دهنده است. ایشان فرمودند: «هر که از ترس خرج و نفقه تزویج نکند، بخدا بدگمان گشته که خداوند می‌فرماید: «اگر فقیر باشند خداوند از عنایت خود بی‌نیازشان گرداند». (طبرسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۳۷۴).

۲-۲-۲. در یهودیت

به ازدواج در زبان عبری «نیسوتین» گفته می‌شود و دین یهود ازدواج و زاد و ولد را تشویق می‌کند. ازدواج در گذشته در سه مرحله شکل می‌گرفت: مرحله اول «شیدرخین» یا خواستگاری از دختر؛ مرحله دوم «ایروسین» یا «قیدوشیم»

یا «قیدوشین» که همان نراسم عقد در میان مسلمانان است و بر پایه آن زن یهودی همسر شرعی مرد خواستگار می‌شود و نمی‌تواند با مرد دیگری ازدواج نماید، مگر آنکه شوهرش بمیرد و یا او را طلاق دهد. مرحله سوم ازدواج، «تسوین» یا نزدیکی با زن است، که همان مراسم زفاف است. ازدواج در یهودیت از شعائر مقدس به شمار نمی‌رود، بلکه نوعی قرارداد دینی اخلاقی است که تنها با موافقت زن امکان‌پذیر است. (المسیری، ۱۳۸۳ش، ج ۵، ص ۲۷۱-۲۷۲)

در تعریف ازدواج در قاموس کتاب مقدس آمده است: ازدواج اتحاد مردی است با زن خود، از برای خوبی و سعادت طرفین و بقاء و افزایش نوع و جز به علت زنا افتراقی در میان این دو پدید نشود؛ (مسترهاکس، ۱۳۷۷، ص ۶۰۵)

امر به ازدواج در تنخ، مبتنی بر فرمانهایی است که در برشیت ۱: ۲۲ متوجه آدم و حوا شده و در ۹: ۱ و ۷ به نوح و فرزندان او خطاب شده است. یهودی‌ای که برای تشکیل خانواده تلاشی نمی‌کند، مانند کسی دانسته شده که خونی ریخته باشد، یا صورت خدا را که همه انسانها به شکل آن آفریده می‌شوند بی‌ارح بداند، و یا باعث شود که حضور خدا از اسرائیل رخت بر بندد. تنها دلیل قابل قبول برای مجرد ماندن در تمام عمر، اشتیاق فرد به وقف کردن زندگی‌اش برای آموختن تورا بود؛ البته این امر می‌بایست با اطمینان همراه باشد که وی قادر به تسلط به هوس‌های جنسی‌اش است. اما حتی در چنین موردی مجرد نامطلوب انگاشته می‌شد؛ زیرا داشتن بچه و پرثمر بودن و زیاد شدن از وظایفی بود که باید انجام می‌گرفت. (انترمن، ۱۳۸۵ش، ص ۲۲۴ - ۲۲۵).

اگرچه داشتن فرزند مطلوب است، ولی نبود فرزند نیاز به ازدواج را مرتفع نمی‌کند؛ زیرا خاخام‌ها تاهل را وضعیت آرمانی مردان تلقی می‌کنند؛ جالب است بدانیم که در مورد زنان چنین برداشتی وجود ندارد. زنان مکلف به ازدواج نیستند، زیرا وظیفه داشتن فرزند تنها بر عهده مردان است. (منسکی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۷۷).

فریضة ازدواج آنقدر مهم است که گفته‌اند: انسان مجاز است یک سفر تورات را بفروشد و با پول آن هزینه ازدواج خود را فراهم سازد. (کهن، ۱۳۸۲ش، ص ۱۸۰).

ازدواج در آیین یهود کاملاً ساده است. حتی نیازی به حضور خاخام هم نیست.

حضور خاخام‌ها در تقلید از سنن مسیحی، ۲۰۰۰ سال بعد از موسی اضافه شده است. فقط دو شاهد برای رسمیت ازدواج کافی است. همان‌قدر که طلاق آسان است، ازدواج هم آسان است. (علیجانی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۲۵).

در آیات زیر به مורادی که به بحث ازدواج و زاد و ولد اشاره دارد، اشاره شده است:

و يَهُوهَ خدا گفت: خوب نیست که آدم تنها باشد. پس برایش معاونی موافق وی بسازم. و يَهُوهَ خدا هر حیوان صحرا و هر پرنده آسمان را از زمین سرشت و نزد آدم آورد تا ببیند که چه نام خواهد نهاد و آنچه آدم هر ذی حیات را خواند همان نام او شد. پس آدم همه بهایم و پرندگان آسمان و همه حیوانات صحرا را نام نهاد. لیکن برای آدم معاونی موافق وی یافت نشد. و يَهُوهَ خدا خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخت و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد. و يَهُوهَ خدا آن دنده را که از آدم گرفته بود زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد. و آدم گفت: همانا اینست استخوانی از استخوانهایم و گوشتی از گوشتم از این سبب «نسا» نامیده شود زیرا که از انسان گرفته شد. از این سبب مرد پدر و مادر خود را ترك کرده با زن خویش خواهد پیوست و يك تن خواهند بود. (پیدایش ۲: ۱۸-۲۴)؛ و خدا نوح و پسرانش را برکت داده بدیشان گفت: بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید. (پیدایش ۹: ۱)؛ و شما بارور و کثیر شوید و در زمین منتشر شده در آن بیفزایید. (پیدایش ۹: ۷)؛ زنان گرفته پسران و دختران به هم رسانید و زنان برای پسران خود بگیرید و دختران خود را به شوهر بدهید تا پسران و دختران بزایند و در آنجا زیاد شوید و کم نگردید. (ارمیا ۲۹: ۶)؛ هر که زوجه‌ای یابد چیز نیکو یافته است و رضامندی يَهُوهَ را تحصیل کرده است. (امثال سلیمان ۱۸: ۲۲)؛ و خدا آنها را برکت داده گفت: بارور و کثیر شوید و آبهای دریا را پر سازید و پرندگان در زمین کثیر بشوند. (پیدایش ۱: ۲۲).

۳. ازدواج‌های نامشروع

۳-۳. در اسلام

در اسلام ازدواج با محارم حرام شده است و شخص نمی‌تواند پیمان نکاح با آنان برقرار نماید. در آیه ۲۳ سوره نساء در این باره آمده است:

«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً». (نساء/۲۳).

در آیه شریفه، انواع محارم که ازدواج با آنان ممنوع می‌باشد آمده است:

محارم نسبی: شامل مادران، دختران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها و...

محارم سببی: از طریق ازدواج حاصل می‌شود. شامل: مادران همسران، دختران همسران و...

محارم رضاعی: خویشاوندی میان دو نفر که از طریق شیر خوردن بوجود می‌آید. مادران رضاعی و...

ازدواج با دو خواهر: که این ازدواج هم در سوره نساء حرام شده است. در حدیث شریفی از ابا عبد... چنین نقل شده است که فرمود: لا یحل للرجل ان یجمع بین الاختیین». یعنی حلال نیست که مردی دو خواهر را با هم عقد کند. پس ازدواج دو خواهر در زمان واحد مجاز نیست. هرچند که ازدواج دو خواهر در زمان جاهلیت جایز بود. (جلیلی، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۰۳ و ۱۰۴).

۳-۴. در یهودیت

در تنخ عده‌ای از زنان و مردان به یکدیگر محرم اعلام شده‌اند و ازدواج بین آنها ممنوع است، که این ممنوعیت ازدواج، بعضی دائم و بعضی به طور مشروط است. در سفر لاویان باب ۱۸ میخوانیم: «هیچ کس به احدی از اقربای خویش نزدیکی ننماید تا کشف عورت او بکند. من یهوه هستم». (لاویان ۱۸: ۶)

مراد از اقربا در تنخ عبارتند از: مادر، خواهر (خواهرپدري یا مادري)، زن پدر (مادر ناتني)، دختران پسر و دختر مرد، دختر زن پدر که از پدر تو زاييده شده باشد، عمه، خاله، زن عمو، عروس، زن برادر، ازدواج همزمان با یک زن و دخترش، ازدواج همزمان با دو خواهر، نوة دختری یا پسری زن.

در سفر لایوان آمده است: «عورت پدر خود یعنی عورت مادر خود را کشف نمما او مادر توست. کشف عورت او مکن. عورت زن پدر خود را کشف مکن. آن عورت پدر تو است. عورت خواهر خود خواه دختر پدرت خواه دختر مادرت چه مولود در خانه چه مولود بیرون عورت ایشان را کشف نمما. عورت دختر پسر و دختر دخترت عورت ایشان را کشف مکن زیرا که اینها عورت تو است. عورت دختر زن پدرت که از پدر تو زاييده شده باشد او خواهر تو است کشف عورت او را مکن. عورت خواهر پدر خود را کشف مکن او از اقربای پدر تو است. عورت خواهر مادر خود را کشف مکن او از اقربانی مادر تو است. عورت برادر پدر خود را کشف مکن و به زن او نزدیکی نمما. او به منزلة عمه تو است. عورت عروس خود را کشف مکن او زن پسر تو است. عورت او را کشف مکن. عورت زن برادر (ظاهراً تا برادر هست، زیرا در جاهای دیگر تورات، زن بعد از فوت شوهرش میتواند با برادرشوهرش ازدواج کند، بخصوص اگر فرزند نداشته باشد، این ازدواج خیلی تأکید شده است). (حسین زاده، ۱۳۸۹ش، ص ۱۸۳). خود را کشف مکن. آن عورت برادر تو است. عورت زنی را با دخترش کشف مکن. و دختر پسر او یا دختر دختر او را مگير تا عورت او را کشف کنی. اینان از اقربای او میباشند و این فجور است. و زنی را با خواهرش مگير تا هووی او بشود و تا عورت او را با وی مادامی که او زنده است کشف نمایی.» (لایوان ۱۸: ۷-۱۸).

۴. اهداف و آثار مهم ازدواج

۴-۱. در اسلام

از اهداف و آثار ازدواج می توان به رسیدن به کمالات معنوی از طریق حفظ دین و افزایش ثواب عبادات، تولید نسل و پرورش فرزندان صالح و مؤمن، عفت و دوری از گناه از طریق تأمین نیازهای جنسی در خانواده، تقویت و تثبیت صفات جنسی از

طریق ایجادِ حسّ رسیدن به مرحله بزرگسالی و هم‌چنین می‌توان به رشد و شکوفایی استعدادها و به فعلیت رسیدن فضایل اخلاقی و انسانی اشاره کرد. (معاونت آموزش گروه روانشناسی، ۱۳۸۶ش، ص ۶۴ - ۶۸). در ادامه به توضیح بیشتر این مطلب می‌پردازیم.

۴-۱-۱. آسایش و آرامش

ازدواج موجب آسایش و آرامش انسان می‌شود و به زندگی بهتر و بیشتر دلبستگی پیدا می‌نماید و به امید اینکه زن و فرزندان درکنار او هستند خود را تنها نمی‌دانند و همین موجب تقویت روحیه و امید و تلاش و خلاقیت و سازندگی و سیر به سوی پیشرفت و کمال انسان می‌شود. خداوند در آیه ۲۱ سوره روم بیان می‌کند که برای انسان از جنس خودش جفتی آفریده شد که در بر او آرامش یافته و باهم انس گیرند و در میانشان رأفت و مهربانی برقرار کرد؛ «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ». (روم/۲۱). از آنجا که ادامه پیوند در میان همسران خصوصاً، و در میان همه انسانها عموماً، نیاز به يك جاذبه و کشش قلبی و روحانی دارد. پس بدنال آن اضافه می‌کند: «و در میان شما مودت و رحمت آفرید؛ وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً». جالب اینکه قرآن در این آیه هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است و با تعبیر پر معنی «لِتَسْكُنُوا» مسائل بسیاری را بیان کرده و نظیر این تعبیر در آیه ۱۸۹ سوره اعراف نیز آمده است. این آرامش از اینجا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفائی و نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشند بطوریکه هر يك بدون دیگری ناقص است. و طبیعی است که میان يك موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد. و حتی به گفته علمای جدید مثل ویل دورانت در کتاب «لذات فلسفه» «علقه زوجین به یکدیگر در اثر معاشرت و تماس زیاد شدت پیدا می‌کند و آنقدر اثر می‌گذارد که کم‌کم قیافه‌های آنها شبیه هم می‌شوند، یعنی تدریجاً روح‌های آنها آنقدر باهم انطباق پیدا می‌کنند که کم‌کم اجسام آنها نیز با هم انطباق پیدا می‌کنند و قیافه‌ها به یکدیگر شبیه می‌شوند. (مطهری، ۱۳۷۸ش، ص ۲۴۸).

۴-۱-۲. حفظ عفت و پاکدامنی

از آثار بسیار مهم ازدواج می‌توان به حفظ عفت و پاکدامنی مرد و زن اشاره کرد. در اثر ازدواج، گزینه جنسی که یکی از قوی‌ترین غرایز انسانی است، در مسیر طبیعی خود قرار می‌گیرد و این پدیده به نوبه خود، موجب می‌گردد تا انسان از گناهی که به خاطر میل جنسی انجام می‌دهد تا حد زیادی مصون بماند و هیچ‌گاه دامن خود را به روابط جنسی نامشروع، که از نظر دین جزو گناهان کبیره است، آلوده نسازد. همچنین ازدواج موجب می‌گردد تا انسان در مسیر کمال و خودسازی معنوی بیشتر قدم بگذارد و خود را از گناه دور سازد. در قوه شهویه، مهم‌ترین عامل تعدیل صحیح آن در شهوت جنسی، «ازدواج» است. ازدواج موجب کنترل این قوه شده، آن را از تجاوز و طغیان باز می‌دارد. وقتی جلوی طغیان شهوات گرفته شود، زمینه برای کسب عفت و دوری از گناه مهیا می‌گردد و انگیزه گناه از بین خواهد رفت. گزینه جنسی مانند آب رودخانه، مایه حیات است. اگر در جلوی آن سدّی بسته شود و دریچه‌ای پشت سر آن قرار گیرد، آب‌های رودخانه، مایه حیات دام‌ها و گیاهان خواهد بود و جمع شدن آب نه تنها موجب ضرر و سیلاب نمی‌گردد، بلکه با باز کردن سد در هنگام نیاز به آب، می‌توان از آن استفاده بهینه و منطقی نمود. کنترل شهوات و ارضای آن از طریق ازدواج، مانند آب رودخانه و پشت سد، مایه حیات و به ارمغان آورنده عفت و پاکدامنی در جامعه است. (اشتهاردی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۹). پیامبر اکرم فرموده‌اند: بیشترین اهل جهنم جوانان بی‌همسر هستند. (شیخ صدوق، ج ۵، ص ۱۱). این حدیث پیامبر بزرگوار اسلام بسیار قابل تأمل است و نشان از اهمیت بسیار زیاد امر ازدواج و تشکیل خانواده دارد.

۴-۱-۳. بقای نسل

یکی از اهداف جانبی ازدواج، فرزندآوری و بقای نسل است که حس پدری و مادری و فرزندپروری انسان را ارضا می‌کند و به آن پاسخی درخور می‌دهد. ازدواج باعث تداوم و بقای نسل انسانی می‌شود و در غیر این صورت نسل انسانی منقرض و نابود می‌گردد. در حدیثی از امام محمد باقر @ می‌خوانیم: «الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ

عَنْ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تَزَوَّجُوا بَكْرًا وُلُودًا وَلَا تَزَوَّجُوا حَسَنَاءَ جَمِيلَةً عَاقِرًا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ (پيامبر ﷺ فرمود: با دختر باکره‌ای که فرزندآور است ازدواج کنید و با زن نازای زیبا ازدواج نکنید زیرا من به فزونی جمعیت شما در روز قیامت مباحث می‌کنم). (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۳).

روشن است که تشویق به ازدواج با زن فرزندآور و بیان علتی که برای آن ذکر نموده (مباحث به فزونی جمعیت) دلالت بر مطلوبیت فرزند زیاد دارد، تا آنجا که برخی فقها به این حدیث برای استحباب به ازدواج با دختر باکره زایا استدلال کرده‌اند. (جبل عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۶۴).

۲-۴. یهودیت

دین یهود ضمن توصیه های فراوان پیرامون ازدواج و تشکیل خانواده، اهداف والایی از ایجاد آن منظور داشته است؛ در ادامه به چند مورد می‌توان اشاره کرد که عبارتند از:

۴-۲-۱. تشکیل خانواده

در دین یهود تشکیل خانواده دارای اهمیت و از فرائض بسیار مهم است. در اهمیت این موضوع آمده است: «انسان مجاز است یک سفر تورات را بفرشد و با پول آن هزینه ازدواج خود را فراهم سازد، همان‌ز. ری که انسان مجاز است برای تحصیل تورات نیز به فروش تورات مبادرت کند». (کهن، ۱۳۸۲، ص ۱۸۰).

۴-۲-۲. تکامل زن و شوهر

ازدواج در دین یهود، به معنای تکامل زوجین و اوج رشد یک انسان است و زن و مرد بدون همسر انسان‌های کاملی نیستند و با ازدواج از شکل ناقص به وجودی کامل تبدیل می‌شوند. (اشتاین سالتز، ۱۳۸۳ش، ص ۲۱۳).

۴-۲-۳. ارضای نیازهای جنسی

یکی از اهداف مهم ازدواج در دین یهود ارضای نیاز جنسی زوجین است. زیرا

تنها راه مجاز در یهودیت برای رفع نیازهای جنسی و دوری از گناه و آلودگی ازدواج است و انسان نمی‌تواند به طرق نامشروع این نیازش را برطرف کند. انسان موجودی اجتماعی است و براساس غرایزی که در وجود او نهاده شده، مایل به برقراری ارتباط با دیگر همنوعان خود و در مقیاسی کوچکتر خواستار برقراری پیوندی بسیار نزدیکتر با فردی به نام همسر و داشتن روابط زناشویی است. تورات نیز مانند بسیاری دیگر از دستورهایی خود، این خواسته را جهت بخشیده و سعی دارد تا با برنامه ریزی اصولی این خواسته را از حالت غریزی و معمولی خارج کرده، به آن تقدس بخشد، تا به این وسیله انسان هم بتواند خواسته‌ها و غرایز خود را ارضا کند و هم به سبب اجرای فرمان خداوند، سزاوار و در خور پاداش باشد (آنترن، ۱۳۸۵، ص ۲۲۰).

۴-۲-۴. تولیدمثل

یکی از اهداف ازدواج زن و مرد، تولیدمثل است که در متون مقدس هنجارین شده است. خانواده عقیم و بدون فرزند به کمال نمی‌رسد؛ زیرا زنان و مردان با فرزنددار شدن ارزش‌های اخلاقی خود را بسط می‌دهند. پدر و مادر شدن با انعطاف بیشتر، بردباری اجتماعی، دلسوزی و نجابت و آینده‌نگری اقتصادی همراه است. ضمن آنکه این اوصاف به سلامت جامعه نیز کمک می‌رساند. تکثیر نسل سالم، جوامع را نیز قدرتمند و پویا می‌کند. از این رو، ادیانی مانند دین یهود، می‌کوشند تا این هدف طبیعی، هدف ارزشی زن و مرد از ازدواج قرار گیرد و پاسخی به فرمان الهی مبنی بر تولید و افزایش نسل باشد: بارور و زیاد شوید، زمین را پر سازید، بر آن تسلط یابید و بر ماهیان دریا، پرندگان آسمان و همه حیوانات فرمانروایی کنید (سفر پیدایش، ۱: ۲۸) و یا و اما شما فرزندان زیاد تولید کنید و زمین را پر سازید (سفر پیدایش، ۹: ۷).

۵. چند همسری در اسلام و یهودیت

۱-۵. در اسلام

مسأله‌ی تعدد زوجات از مسائل اختراعی اسلام نیست بلکه به شهادت تاریخ، پیش از اسلام در بسیاری از جوامع و مذاهب وجود داشته است. کاری را که اسلام

انجام داد این بود که بنا به ضرورت‌هایی اصل مسئله را پذیرفته ولی سعی کرده است آنرا تحت قیود، نظام‌ها و ضوابطی قرار دهد و یا شرائطی را برای کسانی تعیین کند که زنان متعدّد داشته‌اند. در حقیقت کار اسلام یک کار اصلاحی بوده است. اولین قدم در این راستا این بود که چند همسری را محدود کرد. قبل از اسلام تعدّد زوجات نامحدود بود و یک تن می‌توانست به تنهایی صدها زن داشته باشد و از آنها حرمسرائی به وجود آورد ولی اسلام یک حداکثری برای آن به وجود آورد. (مطهری، ۱۳۹۶ش، ص ۴۴۵).

اصلاح دیگری که اسلام به عمل آورد این بود که عدالت را شرط کرد و اجازه نداد که به هیچ وجه تبعیضی میان زنان یا میان فرزندان آنها صورت گیرد. قرآن کریم در کمال صراحت فرمود: «و اگر بیم دارید که عدالت را رعایت نکنید پس به یکی اکتفا کنید». (نساء/۳). اسلام برای مسئله‌ی عدالت آن اندازه اهمیت قائل است که اجازه نمی‌دهد مرد و زن دوّم در ضمن عقد توافق کنند که زن دوّم در شرائطی نامساوی با زن اول زندگی کند.

مضاف بر اینکه اگر ما به جامعه‌ی انسانی به دید کلی بنگریم، مصالحی خود را نمایان می‌سازد که لحاظ آنها تجویز چند همسری را کاملاً معقول می‌سازد چراکه در صورت عدم جواز آن، مشکلات غیرقابل حلّی برای اجتماع بروز خواهد کرد. (قائمی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۰۰).

تعدد زوجات با این شرائط اخلاقی اکید و شدید، بجای آنکه وسیله‌ای برای هوسرانی مرد باشد، شکل و قیافه‌ی انجام وظیفه به خود می‌گیرد. (همان، ص ۴۵۰). این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که در اسلام جواز تعدّد همسر است نه امر به اختیار کردن چند همسر. یعنی اسلام توصیه نکرده است که همسران متعدّد اختیار کند. چراکه اصل در زندگی زناشوئی، جفت بودن و تک همسری است و چنانچه وجود شرائطی تعدّد زوجات را ضروری سازد، با رعایت اصول و ضوابط، منعی از لحاظ شرعی وجود نخواهد داشت.

۵-۲. در یهودیت

تلمود، تعدّد زوجات را حرام ندانسته ولی آن را منع کرده است. با این حال از داستان‌های که در مورد ابراهیم و ساره و هاجر و نیز حضرت یعقوب و لعیبا و راحیل، حضرت داود و حضرت سلیمان نقل شده است چنین بر می‌آید که در دوران کهن، مردها می‌توانستند چند زن برای خود اختیار کرده و از آنها صاحب فرزند شوند. در مورد حضرت سلیمان گفته شده است که هفتصد زن عقدی و سیصد زن به عقد موقت داشته است. (مبّغی آبادانی، ۱۳۷۳ش، ص ۷۶۴).

ویل دورانت در مورد تاریخ کهن یهود می‌نویسد: «اگر مرد توانگر بود، می‌توانست چند زن برای خود انتخاب کند و اگر زنی مانند ساره نازا بود، به شوهر خویش اجازه می‌داد تا همسری برگزیند، از همه‌ی این آداب و سنن، مقصود آن بود که نسل زیاد شود». (دورانت، ۱۳۴۳ش، ص ۳۹۱).

در یهودیت کنونی تعدّد زوجات امر رائجی است و شرط تعدّد زوجات، قدرت اقتصادی آنهاست. اما از حیث تعداد نیز در یک دیدگاه، محدودیتی برای آن وجود ندارد، ولی بر طبق یک عقیده‌ی دیگر، تعداد زنان یک مرد نباید از چهار عدد تجاوز کند. (هولر و بوکر، ۱۳۸۴ش، ص ۲۰۷).

۶. نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که بیان شد، خانواده در دو دین اسلام و یهودیت دارای اهمیت فراوانی است و تاکید بسیاری بر امر ازدواج و تشکیل خانواده شده است؛ همچنین کسانی که از ازدواج طفره می‌روند مورد نکوهش قرار گرفته‌اند. در هر دو دین، ارضای نیازهای جنسی انسان تنها از طریق ازدواج و تشکیل خانواده میسر است، در غیر این صورت به شدت امری مذموم شمرده شده است. در اسلام و یهودیت ازدواج تنها با کسانی صورت می‌گیرد که جزء محارم فرد نیست و ازدواج با محارم از لحاظ شرعی حرام شمرده شده است. در اسلام و یهودیت چندین ملاک و معیار برای انتخاب همسر وجود دارد که به دقت هر چه بیشتر در امر ازدواج در دو دین اشاره دارد. همچنین مشاهده می‌کنیم که هم در اسلام و هم در یهودیت، برای اینکه

مراسم ازدواج صورت گیرد نیاز به شاهد است، زیرا هر دو دین می خواهند که این مراسم با حضور اطرافیان و خانواده زوجین صورت گیرد و امری پنهانی و مخفی نباشد. نکته جدی که باید به آن اشاره کرد این است که داشتن ثروت برای مرد در یهودیت از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا مرد هر چقدر ثروت بیشتری داشته باشد، این اجازه را خواهد داشت که هر تعداد همسر که بخواهد، می تواند اختیار کند؛ بر خلاف اسلام که تعداد همسران دارای محدودیت است و هر فرد می تواند با چهار زن، آن هم با داشتن شرایطش، به صورت دائمی ازدواج کند.

۷. منابع و مأخذ

قرآن کریم، (۱۳۸۶ش)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ سوم، قم، انتشارات شهاب.

۱. تنخ، (۱۹۸۷م)، ترجمه انجمن کتاب مقدس، چاپ دوم، ایران، چاپ فرهنگ.
۲. ابراهیمی پور، قاسم، (۱۴۰۰ش)، شاخص های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، چاپ اول، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳. اشتاین سالتز، آدین، ۱۳۸۳، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی دارابی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۴. اشتیاردی، محمد مهدی، (۱۳۷۷ش)، ازدواج و شیوه همسر داری از دیدگاه اسلام، تهران، انتشارات یوسف.
۵. آشتیانی، جلال الدین، (۱۳۶۸ش)، تحقیقی در دین یهود، چاپ دوم، تهران، نشر نگارش.
۶. انترمن، الن، (۱۳۸۵ش)، باورها و آیین های یهودی، ترجمه: رضا فرزین، چاپ اول، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۷. انصاریان، حسین، (۱۳۷۹ش)، نظام خانواده در اسلام، چاپ چهاردهم، قم، انتشارات ام اییها.
۸. بستان، حسین، (۱۳۹۰ش)، خانواده در اسلام، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۹. بگوویچ، عزت علی، (۱۳۷۴ش)، اسلام بین دو دیدگاه شرق و غرب، ترجمه سید حسین سیف زاده، تهران، وزارت امور خارجه.
۱۰. جلیلی، محمد رضا، (۱۳۸۴ش)، جایگاه زن در خانواده و اجتماع در اسلام و یهودیت، چاپ دوم، تهران، انتشارات دیبا.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۶۷ش)، وسائل الشیعه، تصحیح و تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، مکتب الاسلامیه.
۱۲. حسن زاده، صالح، (۱۳۹۴ش)، خانواده از منظر قرآن و حدیث، چاپ اول، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۳. حسین زاده، (۱۳۸۹ش)، محمد علی، سیری در مکتب یهود، چاپ دوم، تهران، انتشارات کیهان.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۷ش)، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران.
۱۵. دورانت، ویلیام جیمز، (۱۳۴۳ش)، تاریخ تمدن، ترجمه: ابوالقاسم طاهری، احمد آرام، تهران، نشر اقبال.
۱۶. شایان مهر، علیرضا، (۱۳۷۷ش)، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان.
۱۷. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۶۷ش)، من لایحضره الفقیه، ترجمه: علی اکبر غفاری و محمد جواد صدر بلاغی، چاپ اول، تهران، نشر صدوق.
۱۸. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۶۵ش)، مکارم الاخلاق، ترجمه: ابراهیم میرباقری، چاپ دوم، تهران، نشر فراهانی.
۱۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، چاپ چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۲۰. علی گودرزی و ملک محمودی، (بیتا)، راهنمای ازدواج، تهران، انتشارات شهاب الدین.
۲۱. علیجانی، رضا، (۱۳۸۹ش)، زن در آیین یهود، چاپ اول، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۲۲. قائمی، علی، (۱۳۷۸ش)، تشکیل خانواده در اسلام، چاپ دهم، تهران،

- انتشارات امیری.
۲۳. قمی، شیخ عباس، (۱۳۵۵ق)، سفینه البحار و مدینه الحکم و آثار، بیروت، دارالمرتضی.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق)، الکافی، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۲۵. کاشانی، محمد بن مرتضی محسن، (۱۳۸۳ق)، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۶. کهن، ابراهام، (۱۳۸۲ش)، گنجینه ای از تلمود، ترجمه: فریدون گرگانی، تهران، انتشارات اساطیر.
۲۷. مبلّغی آبادانی، عبدالله، (۱۳۷۳ش)، تاریخ ادیان و مذاهب، چاپ اول، قم، انتشارات منطق (سینا).
۲۸. مستر هاکس، (۱۳۷۷ش)، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر.
۲۹. المسیری، عبدالوهاب، (۱۳۸۳ش)، دائرة المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، چاپ اول، تهران، چاپ فجر اسلام.
۳۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸ش)، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ سی و سوم، تهران، انتشارات صدرا.
۳۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۶ش)، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا.
۳۲. معاونت آموزش گروه روانشناسی، (۱۳۸۶ش)، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، چاپ دوم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۳. منسکی، ورنر، (۱۳۷۸ش)، اخلاق در شش دین جهان، ترجمه: محمد حسین وقار، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات.
۳۴. هولر، جیم، بوکر، جان، (۱۳۸۴ش)، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، تهران، چاپ و نشر بین الملل.